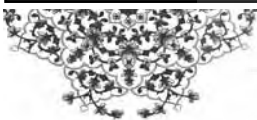




آرامگاه فردوسی



علیرضا شاپور شهبازی

ترجمه: سلیمان ساکت**

آرامگاه فردوسی، مقبره‌ای است ماندگار در توس خراسان که در فاصله سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۴ م / ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ ش ساخته و در سال ۱۹۶۹ م / ۱۳۴۷ ش بازسازی شده است. بنا بر آنچه نظامی عروضی نوشته است، هنگامی که فردوسی در سال ۴۱۱ ق / ۲۰ - ۱۰۱۹ م درگذشت، پیشوای مذهبی [مذکر] شهر از دفن او در گورستان مسلمانان توس جلوگیری کرد و شاعر در باغ خود، که درون شهر طابران، نزدیک دروازه رزان بود، به خاک سپرده شد (نظامی عروضی: ۸۳ و ۲۴۵ - ۲۴۶؛ مینورسکی: ۹۸۰؛ شاپور شهبازی ۱۹۹۱: ۱۰۳).

بنا بر گزارشی تاریخی در مقدمه نسخه‌ای مختصر از شاهنامه که در برلین نگهداری می‌شود، ابوالحارث ارسلان جاذب، حاکم توس در روزگار غزنویان، «بر مرقد فردوسی قبه‌ای ساخت» (تقی‌زاده ۱۳۴۹ ش / ۱۹۷۰ م: ۲۴۵ - ۲۴۶). نظامی عروضی در سال ۵۱۰ ق / ۱۱۱۸ م مرقد فردوسی را زیارت کرده است (نظامی عروضی: ۸۳). دولت‌شاه سمرقندی نیز در سال ۸۹۲ ق / ۱۴۸۲ م گزارشی می‌کند که «الیوم مرقد شریف او متعین است و زوآر را بدان مرقد التجاست» (سمرقندی: ۵۴). علی‌رغم ویرانی‌های مکرر توس به دست ترکان، مغولان، ازبکان و تیموریان، مرقد فردوسی همچون مکانی قابل احترام باقی ماند. در حدود سال ۱۰۰۰ ق / ۱۵۹۲ م، قاضی نورالله



اعلامیه‌ای که انجمن آثار ملی در سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م منتشر کرد تا صندوقی برای تکمیل بنای آرامگاه فردوسی تشکیل دهد. به نقل از هنر و مردم، شماره‌های ۱۵۳-۱۵۴، ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م.، ص: ۵۶.



شوشتری نوشته است: «الیوم مرقد او [...] مشخص و معین است و جمهور انام، مخصوصاً شیعه امامیه، زیارت او به جا می‌آورند، و راقم حروف نیز به شرف زیارت او مشرف و فایز شده» (شوشتری: ۶۰۹). در سال ۱۸۲۲ م گنبدی کوچک که آن را با کاشی تزیین کرده بودند، همچنان پا برجا بود (فرزر ۱۸۲۵ م: ۵۱۹)؛ اما این گنبد هم تا سال ۱۸۸۳ م از بین رفت (مینورسکی: ۹۸۰؛ کرزن: ۱۷۴/۱). در این سال، عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله شیرازی، حاکم خراسان، مقبره فردوسی را کشف نمود و ساخت بنایی آجری به دور آن را آغاز کرد؛ اما نتوانست برنامه خود را به پایان برساند (مینورسکی: ۹۸۰؛ شاهرخ: ۲۵۳۵=۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ م: ۱۶۳).

در اوایل این سده، افزایش روحیه ملی‌گرایی در ایران، پژوهندگان و بزرگان را بر آن داشت تا دولت را به ساخت آرامگاهی درخور شأن شاعری که همه تلاش خود را در جهت حفظ تاریخ و هویت ایران به کار بسته است، تشویق کنند. محمدتقی بهار چندین مقاله درباره ضرورت انجام این طرح نوشت و رضاخان (بعدها رضاشاه) را واداشت تا ملی‌گرایی خود را با ساخت آرامگاه فردوسی اثبات کند. او [در مقاله‌ای] نوشت: «در غیر این صورت، ما مردم خراسان، خود آن بنا را خواهیم ساخت» (ص ۴۴۹). به ابتکار ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده ملی‌گرای زرتشتیان در مجلس، انجمن آثار ملی که به تازگی تأسیس شده بود، اعلامیه‌ای منتشر کرد که مردم را به مشارکت

در بخت‌آزمایی مربوط به ساخت آرامگاه فردوسی دعوت می‌کرد؛ [آرامگاه] «کسی که هیچ کس، از هیچ طبقه از بزرگان ایران از او بالاتر نیست» و کسی که «بانی آن کاخ بلند پایداری است که یکی از ارکان ملیت ما بر آن قرار گرفته است».

شاهرخ مأموریت یافت تا از توس دیدن کند و محل مقبره فردوسی را مشخص نماید. او توانست با مراجعه به منابع ادبی، بررسی ویرانه‌های توس و گفت‌وگو با افراد محلی و مسن آنجا که هنوز بنای آصف‌الدوله را به یاد داشتند، محل مقبره فردوسی را بیابد (شاهرخ ۲۵۳۵=۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ م: ۱۶۱ - ۱۶۴؛ صدیق‌اعلم: ۲ / ۲۰۲ - ۲۰۳). ساخت آرامگاه در سال ۱۹۲۸ م زیر نظر شاهرخ آغاز شد و در سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۱۳ ش، هم‌زمان با برگزاری جشن هزاره فردوسی به پایان رسید. کریم طاهرزاده بهزاد نقشه معماری آرامگاه را فراهم کرد. او این نقشه را در پی پیشنهاد وزیر دربار، عبدالحسین تیمورتاش، تهیه نمود (صدیق‌اعلم: ۲۰۳/۲)؛ اما این طرح عملی نبود و در نتیجه، ساخت آرامگاه بر مبنای نقشه و مدل مینیاتوری گچی آندره گودارد (Andre Goddard) آغاز شد. پس از ساخت این بنا، خیلی زود سقف هرمی پیش‌بینی‌شده برای آن شکاف برداشت و فروریخت و سقفی هرمی - پلکانی که بهزاد آن را طراحی کرده بود، جایگزین شد (شاهرخ ۲۵۳۵=۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۶ م: ۱۶۴ - ۱۷۱). این بنا در باغی به مساحت ۲۵۲۴۸ مترمربع قرار گرفته بود که آن را صاحبش، نایب‌التولیه قائم‌مقامی، وقف کرده بود و بعدها تا حدود ۳۰۰۰۰ مترمربع افزایش یافت. بنای آرامگاه توسط حسین حجارباشی زنجانی و حسین آقا لرزاده ساخته شد. سنگ‌های لازم برای بنا از معدن سنگ مرمر خلج، در نزدیکی مشهد آورده شد (همان: ۱۶۵ - ۱۶۶ و ۱۷۱). ظاهر ساختمان یادآور بناهای پرسپولیس و مقبره کوروش بزرگ در پاسارگاد بود.

آرامگاه از سه قسمت تشکیل می‌شد:

۱. میانی‌ترین بخش، که سنگ قبری است از سنگ مرمر، به ابعاد ۱۵۰×۱۰۰ سانتی‌متر و حدود نیم متر ارتفاع که در مرکز دو سکوی مرمری قرار گرفته است.
۲. تالاری مربع‌شکل (۱۶×۱۶ متر) که از سنگ مرمر ساخته شده و داخل آن با کاشی تزیین گشته است. چهار ستون بلند با دو سرستون بزرگ در چهار گوشه این تالار وجود دارد که تکیه‌گاه گچ‌بری‌های پله‌ای بلند و زیبای آن است. هر دیوار با یک جفت ستون مشابه، اما کوتاه‌تر تزیین شده است که با نعل درگاه‌هایی پله‌ای به هم می‌رسند و سردری مصنوعی را شکل می‌دهند. افزون بر این، تصویر مردی بالدار^۲ که در بالای ضلع جنوبی بنای اصلی مقبره حک شده است، ویژگی‌های پرسپولیس را بیشتر به یاد می‌آورد. گچ‌بری به طرف داخل کشیده شده و با قسمت بالایی ستون حمایت شده است تا پایه‌ای مربع‌شکل برای دیواری به ارتفاع یک متر فراهم سازد. این قسمت،



بنای اولیه آرامگاه فردوسی

به نقل از صدیق‌اعلم، کتاب هزاره فردوسی، بزرگ‌ترین شاعر ملی ایران، تهران، ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م، ص ۱۷۳

کف سخت تالار اصلی گودبرداری شد و فضای زیرین از همه طرف گسترش یافت تا در نهایت، تالاری به وسعت ۹۰۰ مترمربع، با یک در ورودی در سمت غربی به دست آمد. دیوارهای این تالار با کاشی‌های مناسب و لوحه‌های کنده‌کاری شده که نشان‌دهنده داستان‌هایی از شاهنامه‌اند، تزیین شد. هم‌زمان، باغ نیز از هر سو گسترش پیدا کرد و محوطه‌ای به وسعت ۵۶۷۵۳ مترمربع را در بر گرفت و برای آن چند رستوران و هتل و یک کتابخانه ساخته شد. تندیس شاعر نیز در قسمت جنوب شرقی آرامگاه برپا گردید و تمام مجموعه به طور رسمی در آوریل ۱۹۶۸ م / اردیبهشت ۱۳۴۷ ش، مقارن با نخستین همایش سالیانه توس که ویژه مطالعات فردوسی‌پژوهی و شاهنامه‌شناسی بود، گشایش یافت.

[از آن روز تا امروز] آرامگاه فردوسی به سان حریمی ملی، تقدسی عظیم یافته است و در زمره مناطقی از ایران به شمار می‌آید که بیشترین عکس‌برداری از آن انجام شده است. افزون بر این، در طراحی بسیاری از صنایع دستی، تمبرها و پول رسمی به کار رفته است؛ چنان که به تازگی، در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۵ م، دولت جمهوری اسلامی ایران تصویر آرامگاه فردوسی را پشت سکه دهریالی ضرب کرده است.

خود به سمت داخل باریک می‌شود تا مربعی کوچک‌تر به منظور تکیه‌گاه دیوار بالایی ایجاد کند، که آن هم ارتفاعی یک متری دارد و سقف بر آن استوار است. هشت ستونی که در اطراف اتاق وجود دارند، تا نیمه دیوار بالا رفته‌اند تا تکیه‌گاه یک سقف باشند و دو راهرو بالایی و پایینی را در تالار شکل دهند.

۳. محوطه پلکانی پوشیده از سنگ مرمر که اتاق روی آن قرار گرفته است. نوشته‌ها، که به خط حسن زرین خط است و حجاری‌ها، که کار شعبان پورجعفری است، آرامگاه را زینت بخشیده‌اند. تعداد زیادی از ابیات شاهنامه روی دیوار کنده‌کاری شده است. روی سنگ قبر نوشته شده است: «به نام خداوند جان و خرد، این مکان فرخنده، آرامگاه استاد گویندگان فارسی‌زبان و سراینده داستان‌های ملی ایران، حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است که سخنان او زنده‌کننده کشور ایران و مزار او در دل مردم این سرزمین جاویدان است. تاریخ تولد: ۳۲۳ هجری قمری - تاریخ وفات: ۴۱۱ هجری قمری - تاریخ بنای آرامگاه: ۱۳۵۳ هجری قمری».

سی سال پس از برپا داشتن این بنا، ضرورت جلوگیری از نفوذ رطوبت و فراهم آوردن فضای کافی احساس می‌شد؛ بنابراین وزارت فرهنگ و هنر، تحت نظر هوشنگ سیحون، آرامگاه را به شرح زیر گسترش داد:



فضای داخلی آرامگاه فردوسی که در آن سنگ روی قبر نمایان است.
به نقل از هنر و مردم، شماره‌های ۱۵۳-۱۵۴، ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م، ص ۱۶۱.

پی‌نوشت

- بهار، محمدتقی. «قبر فردوسی». نوبهار هفتگی ۲۸/۱۳ - ۲۹، تهران: ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ ش. / ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ م، صص: ۴۳۴ - ۴۳۵ و ۴۴۹ - ۴۵۰.

- تقی‌زاده، سیدحسین، ۱۳۴۹ ش. / ۱۹۷۰ م، فردوسی و شاهنامه او. به کوشش حبیب یغمایی. تهران.

- شاپور شهبازی، ع. «یک نماد هخامنشی»، AMI، چاپ هفتم، ۱۹۷۴، صص ۱۳۵ - ۱۴۴ و چاپ سیزدهم، ۱۹۸۰، صص ۱۱۹ - ۱۴۷.

-----، ۱۹۹۱، زندگی‌نامه انتقادی فردوسی، Costa Mesa. کالیفرنیا.

- شاهرخ، کیخسرو، ۲۵۳۵ = ۱۳۵۵ ش. / ۱۹۷۶ م، یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ. به کوشش جهانگیر اوشیدری. تهران.

- شوشتری، نورالله، ۱۳۴۰ - ۲۵۳۶ (۱۳۵۶) ش. / ۱۹۶۱ - ۱۹۷۷ م، مجالس المؤمنین. تهران. ج ۲، صص ۲۰۱ - ۲۰۵ و ۲۱۰ - ۲۱۱.

- صدیق‌اعلم، عیسی، ۱۳۴۰ (۲۵۳۶)، یادگار عمر. تهران. جلد ۴.
- فرزر، جی. بی، ۱۸۲۵ م، گزارش سفر به خراسان در سال‌های ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲. لندن.

- مینورسکی، وی. «طوس». ایرانیکا، ج ۴، صص: ۹۷۴ - ۹۸۰.

* این مقاله با مشخصات زیر در دانشنامه ایرانیکا به چاپ رسیده است:

Shapur Shahbazi, A., "Mausoleum", *Iranica*, vol. IX, PP. ۵۲۴-۵۲۷.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۱. بنا به گفته شاهرخ: ۱۶۶، تیمورتاش نظر خود را به انجمن تحمیل کرد.

۲. این تصویر در هنر هخامنشی نشانه فرّه کیانی است؛ اما اغلب به عنوان نماد فروهر شناخته می‌شود. شاپور شهبازی ۱۹۷۴، ۱۹۸۲.

کتابنامه

- اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران. «آرامگاه حماسه‌سرای بزرگ ایران، فردوسی». هنر و مردم، شماره‌های ۱۵۳ - ۱۵۴، ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م، صص: ۱۵۲ - ۱۶۶ (گزارشی دقیق، اما تا حدی پیچیده که با اصلاحاتی ضروری، پایه‌های گزارش فعلی را تشکیل داده است).